

A Comparative Study of the Liquidation of a Bankrupt Merchant's Foreign-Currency Debts, with a Critical Assessment of Judicial Practice

Habib Talebahmadi¹ | Artin Jahanshahi¹ | Yousef Ahmadi¹

1. Assistant Professor, Faculty of Private and Islamic Law, University of Shiraz, Shiraz, Iran. talebahmadi@shirazu.ac.ir.
2. P Ph.D Candidate in Private Law, Faculty of Law and Political Sciences and Judge at The Judiciary of Iran (Corresponding Author): artinjahanshahi@hafez.shirazu.ac.ir
3. Ph.D Candidate in Private Law, Faculty of Law and Political Sciences and Judge at The Judiciary of Iran (Deputy, Liquidation & Bankruptcy Dept., Fars Province). jozef.ahmadi@yahoo.com

Article Info

Article type:
Scientific Article

Received:
2025/05/06

Received in revised form:
2025/11/19

Accepted:
2026/05/02

Keywords:

Equality of Creditors; Currency Conversion (Tas'ir) of Claims; Verification of Claims; Liquidation; Foreign-Currency Obligations; Bankruptcy Law.

Abstract

The liquidation of a bankrupt merchant's foreign-currency debts is a recurrent challenge in bankruptcy law, with undeniable implications for the principle of equal treatment of creditors, commutative justice, and economic order. Iranian bankruptcy legislation does not specifically prescribe a method for settling such debts. While specific performance suggests settlement in the very currency of the obligation, any move toward conversion (tas'ir) immediately raises controversy over the appropriate exchange-rate date. In judicial practice, several reference dates have been adopted, including the date of cessation of payments, the date of the bankruptcy adjudication order, the time of verification/allowance of claims, and the time of actual payment. To address these divergences, the Supreme Court, in its Binding Precedent (Unification) Decision No. 861 dated 19/01/1404 (April 8, 2025), held that where some creditors' claims are denominated in foreign currency, the basis for calculation and conversion is the rial equivalent at the official day rate announced by the Central Bank of the Islamic Republic of Iran at the time the claims are verified. Using a descriptive-analytical and comparative methodology and library-based sources, this article critiques and assesses each of the principal approaches. The study finds that although using the claim-verification date appears, on its face, to fix the value of such claims at a definite point, it conflicts with core principles of bankruptcy law—most notably the equal treatment of creditors—as well as with legal certainty and the predictability of the liquidation process. The article argues that the exchange-rate date should instead be tied to the commencement of the bankruptcy process, namely the date of the bankruptcy adjudication order, as this better promotes creditor equality, mitigates harmful currency volatility, and strengthens legal security and coherence in liquidation proceedings.

How To Cite

Talebahmadi, Habib, Jahanshahi, Artin, Ahmadi, Yousef. (2026). A Comparative Study of the Liquidation of a Bankrupt Merchant's Foreign-Currency Debts, with a Critical Assessment of Judicial Practice. *Journal of Judgment*, 125(1), 1-21. <http://doi.org/10.22034/judg.2026.2059890.146>

DOI

[10.22034/judg.2026.2059890.146](https://doi.org/10.22034/judg.2026.2059890.146)



©2025 The Author(s): This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, As long as the original authors and sources are cited. No permission is required from the authors or the publishers.

Publisher

Publications of the Judiciary of Tehran Province



آموزش دادگستری
استان تهران

فصلنامه قضاوت

<https://www.Ghazavat.org>

شاپای الکترونیکی: ۷۸۰۹-۳۰۶۰
شاپا چاپی: ۱۲۲۷-۱۷۳۵
دوره: ۲۶ - شماره: ۱۲۵
بهار ۱۴۰۵

مطالعه تطبیقی تصفیه دیون ارزی تاجر ورشکسته با نقد رویه قضایی

حبیب طالب احمدی^۱ | آرتین جهانشاهی^۲ | یوسف احمدی^۳

۱. استادیار گروه حقوق خصوصی و اسلامی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران، رایانامه: talebahmadi@shirazu.ac.ir
۲. کاندیدای دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شیراز و قاضی دادگستری، (نویسنده مسئول)، رایانامه: artinjahanshahi@hafez.shirazu.ac.ir
۳. کاندیدای دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران و قاضی دادگستری (رئیس اداره تصفیه امور ورشکستگی استان فارس)، رایانامه: jozefahmadi@yahoo.com

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: علمی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۱۶</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۸/۲۸</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۲/۱۲</p> <p>کلیدواژه: تساوی حقوق طلبکاران، تسعیر طلب، تصدیق طلب، تصفیه، تعهدات ارزی، حقوق ورشکستگی.</p>	<p>تصفیه دیون ارزی تاجر ورشکسته از چالش‌های حقوق ورشکستگی است که آثار مستقیم آن را بر رعایت اصل تساوی حقوق بستانکاران، عدالت معاوضی و نظم اقتصادی انکارناپذیر می‌کند. در مقررات ما، شیوه تصفیه چنین دیونی پیش‌بینی نشده است. اجرای عین تعهد، اقتضای تصفیه با خود ارز تعهدشده را دارد، اما اگر بنا بر تسعیر باشد، اختلاف در تعیین زمان نرخ تبدیل است. در رویه قضایی، تاریخ‌های گوناگونی همچون زمان توقف پرداخت، تاریخ صدور حکم ورشکستگی، وقت تصدیق مطالبات و هنگام پرداخت دین دیده می‌شود. بر این اساس، دیوان عالی کشور در رأی وحدت رویه شماره ۸۶۱ مورخ ۱۳۹۱/۰۴/۱۹ در راستای رفع اختلاف‌نظرها مقرر داشته، در صورتی که مطالبات برخی از بستانکاران ارز است، مبنای محاسبه و تسعیر، معادل ارزش ریالی آن به نرخ روز اعلامی از سوی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در زمان تصدیق مطالبات خواهد بود. در این تحقیق با روش توصیفی - تحلیلی و تطبیقی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، هریک از این دیدگاه‌ها نقد و تحلیل می‌شود. طبق یافته‌های تحقیق، تاریخ تصدیق مطالبات برای تسعیر، گرچه در ظاهر موجب ثنیت ارزش آن‌ها در زمان قطعی می‌شود، با اصول بنیادین حقوق ورشکستگی، به‌ویژه اصل تساوی بستانکاران، قطعیت حقوقی و پیش‌بینی‌پذیری فرایند تصفیه تعارض دارد. به نظر می‌رسد زمان آغاز فرایند ورشکستگی یعنی تاریخ صدور حکم ورشکستگی، باید در تسعیر دیون یادشده مدنظر باشد؛ چراکه ضمن حمایت از برابری بستانکاران و اجتناب از نوسانات زبان‌بار ارزی، موجب تقویت امنیت حقوقی و انسجام فرایند تصفیه می‌شود.</p>
<p>استناد</p> <p>طالب احمدی، حبیب، جهانشاهی، آرتین، احمدی، یوسف. (۱۴۰۵). مطالعه تطبیقی تصفیه دیون ارزی تاجر ورشکسته با نقد رویه قضایی، فصلنامه قضاوت، ۲۵(۱)، ۱-۲۱. http://doi.org/10.22034/judg.2026.2059890.1461</p>	
<p>DOI</p> <p>10.22034/judg.2026.2059890.1461</p>	
<p>ناشر</p> <p>انتشارات دادگستری کل استان تهران</p>	



مقدمه

در حقوق تجارت ایران، معاملات ارزی و دیون ناشی از آن به مثابه یکی از مسائل پیچیده و بحث‌برانگیز در روابط بازرگانی اهمیت ویژه‌ای دارند. ارز به پول رایج کشورهای خارجی، اعم از اسکناس، مسکوکات، حواله‌جات و سایر اسناد مکتوب یا الکترونیکی است که بیشتر در مبادلات مالی بین‌المللی کاربرد دارد. در این‌گونه معاملات، تاجر ایرانی متعهد به پرداخت مبالغی به ارز می‌شود که این مسئله تحت تأثیر عواملی مانند نوسانات نرخ ارز، سیاست‌های ارزی دولت و شرایط اقتصادی و سیاسی جهان قرار می‌گیرد. این نوسانات به‌ویژه در کشورهایی که از سیاست‌های ارزی کنترل‌شده استفاده می‌کنند، به مشکلی اساسی برای تجارت تبدیل می‌شود. امروزه در معاملات داخلی، به‌ویژه در شرایط اقتصادی کنونی، تاجر ایرانی برای مقابله با کاهش ارزش پول و حفظ قدرت خرید خود، مبادرت به معاملات ارزی می‌کنند. این روند زمانی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که نرخ تورم داخلی بالا موجب کاهش ارزش ریال در برابر ارزهای خارجی شود. در چنین شرایطی، تاجر ترجیح می‌دهند که مطالبات خود را به جای ریال، با ارز خارجی تعیین کنند؛ چراکه ارز، به‌ویژه در زمان نوسانات و بحران‌های اقتصادی، معمولاً ارزش خود را حفظ می‌کند یا حتی افزایش می‌یابد، در حالی که ریال، به شدت ارزش خود را از دست می‌دهد.

یکی از اصول بنیادین نظام حقوق ورشکستگی، رعایت اصل تساوی بستانکاران است که طبق آن، تمامی طلبکاران، اعم از داخلی و خارجی، باید به‌طور یکسان از دارایی‌های تاجر ورشکسته بهره‌مند شوند (World Bank, 2021: 7) (عالی‌پناه و گلپایگانی، ۱۳۹۸: ۲۱۲؛ سیدمرتضی حسینی و سلطانی، ۱۳۹۵: ۳۰؛ صقری، ۱۳۷۶: ۲۳۲). این اصل به‌ویژه زمانی که دیون ارزی در میان باشد، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند؛ زیرا نوسانات نرخ ارز می‌تواند موجب اختلاف در شیوه تصفیه بدهی‌ها شود.

هدف از طی فرایند ورشکستگی، صرفاً تصفیه بدهی‌ها نیست، بلکه باید از تاجر ورشکسته برای احیای کسب‌وکارشان نیز حمایت شود. در این راستا، زمانی که دیون ارزی وجود دارد، باید طوری برخورد شود که تاجر ورشکسته بتواند با رعایت اصول قانونی و انصاف، کسب‌وکار خود را بازسازی کند. این اصل به‌ویژه در مواردی که نوسانات ارزی موجب افزایش دیون می‌شود، باید مورد توجه قرار گیرد تا از فشار غیرمنصفانه به تاجر جلوگیری شود.

نوسانات ارز و تفاوت‌های عمده میان نرخ‌های ارز رسمی و بازار آزاد، در زمان‌های مختلف، ممکن است موجب افزایش یا کاهش غیرمنتظره میزان دیون شود. این وضعیت می‌تواند باعث ایجاد فرصتی برای سوءاستفاده برخی از طلبکاران شود. طلبکاری که در صدد دریافت ارز از تاجر ورشکسته است، ممکن است عمداً به تاریخی استناد کند که نرخ ارز در آن مقطع بالاتر از همیشه

بوده است و بر مبنای آن، میزان دیون تاجر را افزایش دهد و با این کار علاوه بر تاجر ورشکسته، به سایر دیان نیز ضرر می‌زند.

با توجه به مقدمات گفته‌شده، هنگامی که تاجری ورشکست شود باید تکلیف شیوه پرداخت دیون ارزی او روشن شود. آیا پرداخت‌ها باید به ارز خارجی باشند یا دیون ارزی به پول رایج کشور تبدیل شوند؟ اگر بنا است دیون مزبور به ریال تبدیل شود، معیار زمانی برای تعیین نرخ تبدیل ارز کدام است؟ بر مبنای ارزش روز آن در زمان توقف تاجر، زمان صدور حکم ورشکستگی، زمان یوم‌الادا یا زمان تصدیق مطالبات از سوی مدیر تصفیه؟ چنانچه میان تاریخ تبدیل ارز و تاریخ توزیع دارایی‌ها فاصله زمانی وجود داشته باشد که ممکن است این بازه طولانی هم باشد، هرگونه افزایش یا کاهش نرخ ارز در مبلغ طلب تأثیر می‌گذارد. در شرایطی که نرخ ارز نسبتاً باثبات باشد، این نوسانات ممکن است چندان چشمگیر نباشد. اما در دوران بی‌ثباتی شدید ارزی یا نوسانات سنگین، این تغییرات می‌تواند باعث شود که طلبکاری به میزان بسیاری در مقایسه با سایر طلبکاران زیان ببیند یا سود کند. از این رو، راهنمای قانون‌گذاری آنسیترال درباره ورشکستگی بر اهمیت تعیین تاریخ معین و یکسان از سوی قانون‌گذار تأکید دارد (UNCITRAL, 2005: 255). حال آنکه در حقوق ورشکستگی ایران قوانین موجود در این باره ساکت‌اند و در مورد نحوه تصفیه مطالبات ارزی، میان محاکم دادگستری اختلاف رویه وجود دارد؛ به طوری که برخی از شعب، عین ارز را مورد حکم قرار می‌دهند و به اداره تصفیه اعلام می‌کنند و برخی دیگر، معادل ارزش روز ارز در زمان تصدیق و گروهی نیز معادل ارزش روز ارز در زمان وصول یا قیمت زمان توقف را ملاک و مبنای صدور رأی قرار می‌دهند.

رأی وحدت رویه شماره ۸۶۱ هیئت عمومی دیوان عالی کشور در تاریخ ۱۳۹۴/۰۱/۱۹، به منظور ایجاد رویه واحد قضایی در خصوص نحوه محاسبه و تسعیر (تبدیل به ریال) مطالبات ارزی بستانکاران در پرونده‌های ورشکستگی صادر شد. این رأی در پی اختلاف رویه‌های موجود بین دادگاه‌های تجدیدنظر استان‌های کرمانشاه و تهران در مواجهه با این مسئله مهم حقوقی شکل گرفت. بر اساس رأی وحدت رویه شماره ۸۶۱، دیوان عالی کشور با استناد به مواد مشخصی از قانون تجارت و قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی، ملاک محاسبه و تبدیل مطالبات ارزی بستانکاران به ریال را نرخ روز ارز اعلامی از سوی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در زمان «تصدیق» این مطالبات توسط اداره تصفیه امور ورشکستگی تعیین کرد.

با وجود گام قابل تقدیر دیوان عالی کشور در این زمینه، دیدگاه منتخب مصون از انتقاد نیست و چالش‌هایی به همراه دارد. از این رو، پس از تحلیل نظرهای مطرح‌شده در خصوص شیوه بازپرداخت دیون ارزی تاجر ورشکسته و آثار آن در وضعیت طلبکاران، رأی وحدت رویه دیوان عالی کشور را نقد و تحلیل خواهیم کرد.

۱. پرداخت عین بدهی ارزی

به موجب اصل لازم‌الاتباع بودن قراردادها که در ماده ۲۱۹ قانون مدنی تصریح شده است و نیز ماده ۲۷۹ قانون مدنی، طرفین و قائم‌مقام آن‌ها باید از عقدی که بسته شده است، بسان قانون دو طرف، پیروی کنند و تغییر آن جز به تراضی یا حکم خاص قانون ممکن نیست (شیروی، ۱۳۷۷: ۵۳؛ کاتوزیان، ۱۳۹۵: ۴۸۳؛ اخباری و همکاران، ۱۴۰۰: ۷۳). بنابراین ثمن معامله به هرنوع پولی که در قرارداد تعیین شده است اعم از ارز خارجی یا پول رایج کشور باید پرداخت شود و تسعیر آن خلاف قانون است. بر اساس اجرای عین تعهد که در ماده ۲۷۵ همان نیز قانون آمده است: «متعهدله را نمی‌توان مجبور نمود که چیز دیگری به غیر آنچه که موضوع تعهد است، قبول نماید، اگرچه آن شیء قیمتا معادل یا بیشتر از موضوع تعهد باشد». بنابراین، اگر موضوع تعهد مبلغی به ارز خارجی باشد، بدهکار نمی‌تواند بدون رضایت بستانکار، بدهی خود را به ریال پردازد. همچنان که اگر مبلغ دین به ریال تعیین شده باشد، طلبکار نمی‌تواند از قبول پول رایج کشور امتناع کند یا از بدهکار بخواهد معادل طلب به او طلا یا ارز خارجی بدهد (کاتوزیان، ۱۳۷۰: ۲۱۸). از ملاک ماده ۲۶۷ قانون مدنی نیز چنین استنباط می‌شود که شخص ثالث ایفاکننده دین باید همان ارز را تأدیه کند تا حق رجوع به مدیون را داشته باشد.

در حقوق اسناد تجاری، الزامات در این زمینه صریح است. به موجب بند ۴ ماده ۲۲۳ قانون تجارت «تعیین مبلغ برات» شرط صدور سند است و نوع واحد پول قیدشده وصف جدایی‌ناپذیر دین محسوب می‌شود. طبق ماده ۲۷۹ همان قانون، دارنده برات باید در سررسید «وجه برات» را مطالبه کند و طبق ماده ۲۵۲ قانون تجارت «پرداخت برات با نوع پولی که در آن معین شده به عمل می‌آید». طبق مواد ۲۹۸ و ۲۹۹ نیز با پیش‌بینی «تفاوت نرخ» میان دو محل برای برات رجوعی، قانون‌گذار واحد پول را تغییر نمی‌دهد، بلکه تفاوت ارزش را با حفظ عین ارز جبران می‌کند.

قانون‌گذار در ماده ۳۰۴ قانون تجارت، خسارت تأخیر را بر «مبلغ اصلی برات» تحمیل می‌کند، نه بر معادل ریالی آن و در مفاد ماده ۳۰۹ همان قانون، این احکام را به سفته هم تسری می‌دهد. در باب چک، ماده ۳۱۰ قانون تجارت آن را نوشته‌ای می‌داند که به موجب آن صادرکننده وجوهی را که نزد محال‌علیه دارد به دیگری واگذار می‌کند. کاربرد مطلق وجوه در این ماده شامل ارز خارجی هم می‌شود. در ماده ۳۱۳ همان قانون نیز که مقرر داشته است: «وجه چک باید به محض ارائه کارسازی شود»؛ در صورتی که مبلغ چک به ارز خارجی منظور شده باشد، فقط با پرداخت عین ارز امکان‌پذیر است.^۱

۱. نظریه شماره ۱۹۸۸/۷/۱۴۰۰ مورخ ۱۴۰۰/۰۳/۰۹ اداره کل حقوقی قوه قضائیه: «با توجه به مواد ۲۵۲ و ۲۵۳ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ و قسمت اخیر بند "ج" ماده ۲ قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۱ با اصلاحات و

بنابراین مبلغ تمام اسناد تجاری را با رعایت مقررات ارزی کشور در زمان صدور می توان به ارز خارجی صادر کرد و اگر متعهد وجه آن را نپردازد، دارنده می تواند با تقدیم دادخواست، الزام او را از دادگاه بخواهد. تقویم خواسته به ریال مطابق بند ۱ ماده ۶۲ قانون آیین دادرسی مدنی نیز برای محاسبه هزینه دادرسی است و از نظر صلاحیت دادگاه و قابل تجدیدنظر بودن و قابل فرجام بودن دعوا ضرورت دارد و محکوم به طبق خواسته و به ارز خارجی خواهد بود (اسکینی، ۱۳۷۳: ۱۳۴؛ عبدی پور، ۱۳۹۵: ۸۸).

برخی از حقوقدانان عرب هر چند مانند استادان حقوق تجارت ما بر این باورند تعهد مالی اصولاً باید با همان مقدار و همان نوع پول مقرر در زمان انعقاد عقد ادا شود، اما اگر تغییر ارزش پول در گذر زمان به حد «فاحش» برسد، عدالت معاوضی اقتضا می کند مدیون به جای مثل، معادل ارزش روز دین را بپردازد. ملاک «فاحش بودن» نوسان، کاهش یا افزایش کمابیش استثنایی است که عرف اقتصادی آن را غیر متعارف می شمارد و اگر به طور مکرر و مداوم رخ دهد، حکم استثنا جاری نمی شود (الفقاری، ۲۰۲۳: ۳۱۲-۳۱۳). نتیجه عملی این نظر آن است که دادگاه، در صورت طرح دعوا، نخست باید شدت نوسان را احراز کند؛ چنانچه تغییر به حد افراط رسیده باشد، با استناد به قاعده لاضرر و مواد حاکم بر موازنه عوضین، حکم به پرداخت معادل عادلانه صادر کند، وگرنه به اصل «رد مثل» ملتزم می ماند.

اداره کل حقوقی قوه قضائیه با استناد به ماده ۴۷۳ قانون تجارت^۱ و ماده ۲۹ قانون اداره تصفیة امور ورشکستگی^۲ بر این باور است مدیر تصفیه تکلیفی نسبت به تحویل مال کلی مافی الذمه ندارد و فقط وجوه حاصل از دارایی ورشکسته را به نسبت سهم غرمایی پرداخت می کند.^۳ دیدگاه اخیر

الحاقت بعدی، علی الاصول صدور سفته و حکم به پرداخت نوع ارز مندرج در آن با رعایت مقررات ارزی کشور، بلامانع است. در فرض سؤال در مواردی که بانکها مطابق مقررات، مجازند به اخذ سفته ارزی به عنوان تضمین تعهدات ارزی (تسهیلات ارزی، گشایش اعتبارات اسنادی ارزی، صدور ضمانت نامه های ارزی و ...)، دادگاهها مطابق خواسته حکم به پرداخت مبلغ سفته ارزی به ارز مندرج در آن صادر می کنند.

۱. «طلبکارهایی که در مواعد معینه حاضر نشده و مطابق ماده ۴۶۲ عمل نکردند، نسبت به عملیات و تشخیصات و تصمیماتی که راجع به تقسیم وجوه قبل از آمدن آنها به عمل آمده، حق هیچگونه اعتراضی ندارند، ولی در تقسیماتی که ممکن است به عمل آید جزء غرما حساب می شوند بدون اینکه حق داشته باشند حصه را که در تقسیمات سابق به آنها تعلق می گرفت از اموالی که هنوز تقسیم نشده مطالبه نمایند.»

۲. «اداره تصفیه اقدام به وصول مطالبات می نماید و در صورت ضرورت برای وصول آن اقدامه دعوا خواهد کرد. اشیاایی که در معرض تنزل قیمت بوده و یا نگهداری آنها هزینه غیرمتناسبی را ایجاد می نماید، بدون تأخیر فروخته خواهد شد. همچنین اقدام به فروش بزرگهای بهادار (بورسی) و یا اشیاایی که در بازار قیمت معینی دارند، به عمل خواهد آورد. سایر اموال به ترتیبی که بعداً ذکر خواهد شد، فروخته می شود.»

۳. نظریه های مشورتی شماره ۷/۱۴۰۰/۷۹۴ مورخ ۱۳/۱۱/۱۴۰۰، نظریه مشورتی شماره ۱/۷/۱۴۰۱/۱۳۱۵ مورخ ۲۱/۰۸/۱۴۰۲ و نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۲/۸۰۴ مورخ ۰۱/۰۲/۱۴۰۳ اداره کل حقوقی قوه قضائیه

در رأی صادره از شعبه ۱۲۰ دادگاه عمومی حقوقی تهران^۱ که در دادگاه تجدیدنظر نیز استوار شده، منعکس است.

این دیدگاه با بند «ج» ماده ۲ قانون پولی و بانکی کشور و تفاسیر موجود از آنکه حکم ماده ناظر بر تصفیۀ نهایی حساب است، همسو است. باید توجه داشت که مقنن در بند «ج» ماده ۲ قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۱، مداخله‌ای در اصل انعقاد معاملات ارزی نداشته، بلکه صرفاً وفای به عهد را مقید به پول رایج دانسته است. از این رو، تخلف از مقررات ارزی به بطلان معامله نمی‌انجامد و دادگاه، به‌منزله‌جانشین متعهد، مکلف خواهد بود معادل ریالی ارز مورد تعهد را (به نرخ قانونی یوم‌الادا) مورد حکم قرار دهد. رویکرد مقنن در اصلاحات اخیر نیز همین معنا را تقویت می‌کند؛ بند «ث» ماده ۵۸ قانون بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۱۴۰۲) که در مقام جانشینی بند «ج» ماده ۲ قانون پیش‌گفته وضع شده است، تصفیۀ هرگونه دین یا بدهی را اصولاً فقط با پول رایج کشور قابل تحقق می‌داند و استثناً در فرض تصریح قانون یا تراضی مبتنی بر رعایت مقررات ارزی می‌پذیرد. بنابراین، جمع مواد ۲۵۲ و ۲۵۳ قانون تجارت، بند «ج» ماده ۲ قانون پولی و بانکی ۱۳۵۱، بند «ث» ماده ۵۸ قانون بانک مرکزی ۱۴۰۲ و مقررات ناظر بر اداره تصفیۀ، دلالت بر آن دارند که در دعای ناشی از معاملات ارزی، اصل بر اجرای تعهد به همان ارز است؛ اما هرگاه معامله مغایر مقررات الزامی ارزی باشد یا تهیه ارز متعذر شود، دادگاه به معادل ریالی آن حکم خواهد کرد. رویکرد مقنن در اصلاحات اخیر نیز همین معنا را تقویت می‌کند؛ بند «ث» ماده ۵۸ قانون بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۱۴۰۲) که در مقام جانشینی بند «ج» ماده ۲ قانون پیش‌گفته وضع شده است، تسویۀ هرگونه دین یا بدهی را اصولاً فقط با پول رایج کشور قابل تحقق می‌داند و استثناً در فرض تصریح قانون یا تراضی مبتنی بر رعایت مقررات ارزی می‌پذیرد.^۲

۱. دادنامه شماره ۱۳۹۹/۰۹/۳۰-۱۴۱۲ شعبه ۱۲۰ دادگاه عمومی حقوقی تهران
 ۲. نظریۀ مشورتی شماره ۷/۱۴۰۲/۳۶۸ مورخ ۱۴۰۲/۱۱/۱۱ اداره کل حقوقی قوه قضائیه: «در فرض سؤال که عوض یا ثمن معامله‌ای، ارز تعیین شده است؛ اولاً، چنانچه معامله با رعایت مقررات ارزی کشور، از جمله مواد ۲۵۲ و ۲۵۳ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ منعقد شود، با توجه به بند «ج» ماده ۲ قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۱ با اصلاحات و الحاقات بعدی (به‌عنوان قانون حاکم بر زمان انعقاد معامله)، در صحت معامله تردیدی نیست و دادگاه به پرداخت ارز مورد خواسته حکم صادر می‌کند. اما در صورت انجام معامله بدون رعایت مقررات فوق، با توجه به اینکه اراده مقنن در بند «ج» ماده ۲ یادشده بر دخالت در روابط خصوصی اشخاص نبوده، بلکه منع قانونی فوق ناظر بر الزام به ایفای تعهد به ارز است و نه اصل معامله به ارز؛ بنابراین دادگاه معادل ریالی ارز مورد تعهد را مورد حکم قرار خواهد داد. شایسته ذکر است رویکرد مقنن در بند «ث» ماده ۵۸ قانون بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (قانون اصلاح قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۴۰۲/۰۳/۳۰ مجلس شورای اسلامی و ۱۴۰۲/۰۸/۱۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام) به‌عنوان جایگزین بند «ج» ماده ۲ یادشده که تسویۀ هرگونه دین و یا بدهی و نه تعهد

۲. تسعیر بدهی ارزی

بالحاظ اینکه وفق بند «ج» ماده ۲ قانون پولی و بانکی مصوب ۱۳۵۱ (و جانشین آن، بند «ث» ماده ۵۸ قانون بانک مرکزی مصوب ۱۴۰۲) و فای به دیون اصولاً باید با پول رایج کشور انجام پذیرد، مگر آنکه بر مبنای حکم مقنن یا تراضی معتبر، ترتیب دیگری پیش‌بینی شده باشد، محکمه در دعوی ناشی از تعهدات ارزی، هنگامی که فراهم‌ساختن عین ارز میسر نباشد یا منع قانونی در میان باشد، ناگزیر است دین مزبور را به ریال تسعیر کند. به طریق اولی، تعیین تاریخ مؤثر در محاسبه نرخ تسعیر، تأثیری مستقیم در میزان برائت ذمه مدیون و جبران خسارت داین دارد و از حیث عدالت معاوضی و امنیت قضایی واجد اهمیت اساسی است. در خصوص تعیین زمان نرخ تبدیل ارز دیدگاه‌های گوناگونی در ادامه مطرح شده است.

۲-۱. تسعیر به نرخ زمان طرح دعوی ورشکستگی

در حقوق آمریکا اصول حاکم بر نحوه تبدیل دیون ارزی در دعوی مالی، ارتباط مستقیم و مؤثری با فرایند تصفیه دیون ارزی تاجر ورشکسته دارد. مطابق با «قاعده صدور حکم به دلار»،^۱ محاکم آمریکا موظف بودند احکام مالی خود را به دلار آمریکا صادر کنند و امکان صدور حکم به ارز خارجی را نداشتند. در تبیین این قاعده، برخی محاکم به ضرورت رعایت حاکمیت پولی دادگاه محل استناد کردند، در حالی که برخی دیگر، تفسیر بخش ۲۰ قانون مسکوکات^۲ مصوب ۱۷۹۲ میلادی را مبنای دانستند. نتیجه عملی این دو رویکرد، الزام به صدور حکم به دلار آمریکا و انجام فرایند تبدیل ارز خارجی به دلار در زمانی مشخص بوده است. در این راستا، دو قاعده عمده در نظام حقوقی آمریکا در زمینه تعیین زمان تبدیل ارز شکل گرفته است: قاعده روز وقوع تخلف^۳ و قاعده روز صدور حکم^۴ (Badr, 2012: 189-190). قاعده نخست، که قاعده غالب در دعوی ناشی از حقوق داخلی آمریکا است، مقرر می‌دارد که ارز خارجی باید بر مبنای نرخ جاری در تاریخ طرح دعوا از سوی خواهان تسعیر شود، بدون توجه به منشأی طلب اعم از خسارت ناشی از فعل زیان‌بار یا بدهی ناشی از اسناد تجاری. در مقابل، قاعده روز صدور حکم، که صرفاً در محاکم فدرال و دعوی مستند به حقوق خارجی اجرا می‌شود، تصریح دارد نرخ تبدیل ارز باید در تاریخ صدور حکم از سوی دادگاه تعیین شود.

پرداخت آن را فقط با پول رایج کشور امکان‌پذیر دانسته است؛ مگر در صورت تعیین شیوه دیگری از سوی مقنن و یا تعیین ترتیب دیگری بین بدهکار و بستانکار، مؤید این برداشت است».

1. Dollar Judgment Rule
2. Coinage Act
3. Breach Day Rule
4. Judgment Day Rule

در زمینه دیون ارزی تاجر ورشکسته، نظام حقوقی آمریکا صریحاً از فلسفه حاکم بر قاعده روز وقوع تخلف پیروی می‌کند. به موجب مقررات بند «ب» ۵۰۲ قانون ورشکستگی فدرال،^۱ کلیه دیون، اعم از ارزی و غیرارزی، باید در تاریخ تقدیم دادخواست ورشکستگی^۲ به دلار آمریکا تبدیل و تثبیت شوند. این قاعده تضمین می‌کند که میزان دیون طلبکاران از لحظه شروع فرایند ورشکستگی قطعی می‌شود و از تحمیل مخاطرات نوسانات ارزی پس از آن تاریخ پیشگیری می‌کند.

کاربست این قاعده در فرایند ورشکستگی، علاوه بر تضمین ثبات حقوقی و حفظ برابری میان طلبکاران، با اصول بنیادین حقوق ورشکستگی آمریکا، نظیر حمایت از نظم اقتصادی و صیانت از حقوق طلبکاران، هماهنگ است. در نتیجه، طلبکاران ارزی موظف‌اند طلب خود را بر اساس نرخ ارز حاکم در زمان تقدیم دادخواست ورشکستگی محاسبه کنند و پس از آن، تغییرات احتمالی در نرخ ارز در میزان مطالبات آن‌ها تأثیری نخواهد داشت.

طبق ماده ۵۰۲ قانون ورشکستگی آمریکا^۳ در صورتی که هیچ‌گونه اعتراضی به یک ادعای ارزی صورت نگیرد، تاریخ ثبت دادخواست ورشکستگی،^۴ تاریخ تبدیل ارز شناخته می‌شود. در این شرایط، نیازی به رسیدگی قضایی برای تعیین میزان مبلغ طلب نیست و این مبلغ بر اساس نرخ تبدیل ارز به دلار در تاریخ ثبت دادخواست محاسبه می‌شود. انتخاب «تاریخ تقدیم دادخواست» به منزله معیار تبدیل ناشی از ضرورت تثبیت ارزش طلب در آغاز فرایند ورشکستگی است. این رویکرد نوسانات ارزی را پس از شروع دادرسی از بین می‌برد و تضمین می‌کند در تقسیم دارایی‌ها، طلب بستانکاران با ارزشی معین (به نرخ روز دادخواست) محاسبه شود.

در تحلیل مبنای مناسب برای تعیین نرخ ارز برای تسعیر دیون ارزی در ورشکستگی، تاریخ توقف پرداخت‌ها از نظر حقوقی و اقتصادی، منطقی و قابل دفاع به شمار می‌رود. این تاریخ نمایانگر لحظه‌ای است که تاجر عملاً از ایفای تعهدات جاری خود ناتوان شده و بحران مالی او عینیت یافته است (کاوپانی و فرزانه، ۱۳۹۳: ۱-۱۰۰؛ طاهری و بالازاده، ۱۳۹۸: ۱۶۳). در حقوق آمریکا، با وجود آنکه اصطلاح «تاریخ توقف»^۵ به شکل صریح استفاده نمی‌شود، اما تقدیم دادخواست ورشکستگی یعنی زمان ثبت رسمی دادخواست ورشکستگی، کارکردی مشابه تاریخ توقف دارد. این تاریخ به صورت قانونی به عنوان لحظه انجماد دارایی‌ها، تعلیق بدهی‌ها، توقف بهره، ممنوعیت انتقال اموال و ملاک تسعیر ارز شمرده می‌شود. گزینش این تاریخ در آمریکا نه به

1. Bankruptcy Code
2. Petition date
3. 11 U.S.C. § 502
4. Petition date
5. Stay, Cessation of Payments

می‌کند که کلیه دیون، از جمله دیون ارزی، بر مبنای ارزش آن‌ها در تاریخ توقف پرداخت‌ها تعیین شود. این تفسیر با فلسفه رأی وحدت رویه دیوان عالی کشور همخوانی دارد که بر مستحق نبودن بستانکاران به دریافت خسارت تأخیر پس از تاریخ توقف تأکید دارد و به موجب آن، هرگونه تغییر ارزش دیون پس از توقف باید بی‌اثر در نظر گرفته شود تا برابری میان بستانکاران رعایت شود. دادگاه همچنین تصریح کرد حتی در مواردی که دین ماهیت عینی دارد و به صورت طلب ارزی مطرح می‌شود، اصل تساوی بستانکاران اقتضا دارد که این دیون نیز به ریال و بر اساس نرخ ارز در تاریخ توقف محاسبه شود. به همین منظور، تعیین معادل ریالی مبلغ ۱۵,۳۷۲,۷۲۲/۴۵ دلار آمریکا بر مبنای نرخ ارز اعلامی بانک مرکزی در تاریخ توقف (۱۳۹۴/۰۱/۱۵) مورد تأکید قرار گرفت و این مبلغ در طبقه‌بندی دیون از سوی اداره تصفیه درج خواهد شد. بدین ترتیب، دادگاه با پذیرش اینکه هدف از فرایند ورشکستگی، حفاظت از تساوی حقوق بستانکاران است و با توجه به ضرورت تثبیت حقوق مالی آن‌ها در زمان وقوع توقف پرداخت‌ها، حکم به اصلاح مبلغ بدهی را بر مبنای تسعیر در تاریخ توقف صادر و سایر مفاد رأی بدوی را تأیید کرد.

در نقد رأی مزبور می‌توان گفت؛ در وهله اول، تاریخ توقف پرداخت‌ها، مفهومی مبتنی بر وضعیت مالی بدهکار است و بر مبنای شاخص‌هایی مانند عدم امکان پرداخت دیون مسلم و سررسیده تعیین می‌شود. این تاریخ گرچه برای تعیین وضعیت ورشکستگی بدهکار اهمیت دارد، به‌طور طبیعی تاریخ ثبتی و قطعی نیست و بیشتر به صورت قضایی و بر پایه رسیدگی‌های بعدی مشخص می‌شود. در نتیجه، تعیین نرخ ارز بر مبنای تاریخی که ممکن است ماه‌ها یا حتی سال‌ها پیش از طرح دعوا یا صدور حکم باشد، می‌تواند به نتایج غیرواقعی و ناعادلانه منجر شود. دوم، نوسانات شدید ارزی، که به‌ویژه در اقتصادهای متأثر از تورم یا بی‌ثباتی مالی رایج است، ممکن است موجب شود ارزش واقعی مطالبات بستانکاران به نحو چشمگیری کاهش یابد، در حالی که دارایی‌های موجود یا ارزش بازاری بدهکار در زمان تصفیه افزایش یافته است. اصرار بر تسعیر دیون بر مبنای نرخ قدیمی می‌تواند برخلاف هدف اصلی فرایند ورشکستگی، که عبارت از توزیع عادلانه دارایی‌های واقعی بدهکار میان بستانکاران است، عمل کند. سوم، قیاس تسعیر دیون ارزی با عدم استحقاق طلبکاران برای دریافت خسارت تأخیر تأدیه پس از تاریخ توقف نیز قیاسی مع‌الفارق است. طلبکاران وثیقه‌دار و دارای طلب ریالی ممکن است خسارت خود را دریافت نکنند، اما ارزش اسمی دین آن‌ها کاهش ماهوی پیدا نمی‌کند؛ در حالی که در مورد دیون ارزی، تغییر نرخ ارز ممکن است ماهیت و ارزش اقتصادی دین را اساساً دگرگون سازد. از این رو، برای رعایت انصاف میان بستانکاران و تطبیق با واقعیت‌های اقتصادی، مناسب‌تر آن است که تسعیر دیون ارزی بر اساس نرخ ارز در زمان توزیع دارایی‌ها یا حداقل در زمان تصفیه انجام شود، به شرط

آنکه نوسانات غیرمتعارف ارزی اثبات شود. با این راهکار هم به قاعده تساوی بستانکاران احترام گذاشته می‌شود و هم از نتایج غیرعادلانه‌ای که ناشی از بی‌ثباتی‌های اقتصادی است، جلوگیری می‌شود. بنابراین، هرچند ملاک قراردادادن تاریخ توقف پرداخت برای تسعیر ارز در رویه قضایی ایران مستقر شده است، این قاعده به بازانديشي و تطبيق با ملاحظات اقتصادی معاصر و تحولات حقوق تطبیقی نیاز دارد.

۲-۳. تسعیر به نرخ زمان پرداخت

در خصوص تسهیلات دریافتی از نظام بانکی کشور، با استناد به برخی بخشنامه‌ها و مقررات می‌توان ملاک روز پرداخت را مبنای تعیین نرخ ارز قرار داد. تسعیر دین به نرخ روز پرداخت در قراردادهای تجاری بین‌المللی نیز رایج است و در اسناد بین‌المللی ملاک تسعیر قرار گرفته است (امینی، ۱۳۹۲: ۳۷). در خصوص تسهیلات دریافتی از نظام بانکی کشور، در دعوی که خواهان (بانک) به صورت وضعیت بستانکاران ورشکسته که در آن، تاریخ توقف، معیار تبدیل طلب ارزی وی به ریال، قرار گرفته است، اعتراض کرده بود، شعبه ۲ دادگاه عمومی حقوقی شهرستان رشت، با استناد به بخشنامه شماره ۱۹/۱۲/۱۵۲ اداره تدوین مقررات ارزی در خصوص چگونگی بازپرداخت دیون اشخاص ورشکسته ناشی از تسهیلات ارزی و بر اساس مصوبه شماره ۱۴۴/۴۰ کمیسیون ارز، تاریخ بازپرداخت را معیار تبدیل ارز به ریال دانست.

دیدگاه بیان‌شده در برخی از نظریات مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضائیه نیز بازتاب یافته است. از اداره مزبور استعلام شد؛ چنانچه محکوم به پول خارجی باشد و در مرحله اجرا پرداخت آن امکان‌پذیر نباشد، در مقام تبدیل به ریال، قیمت نیمایی ارز ملاک است و یا قیمت واقعی آن که در بازار خرید و فروش می‌شود؟ اداره کل حقوقی قوه قضائیه در پاسخ اعلام داشت: «در فرض سؤال که محکوم به ارز و تهیه آن متعذر است و یا در دسترس نیست، با توجه به ملاک ماده ۴۶ قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶، قیمت آن به تراضی طرفین و در صورت عدم تراضی بهای آن به قیمت یوم‌الادا به نرخ بازار آزاد محاسبه و وصول می‌شود».^۱ در نظریه‌ای دیگر چنین استدلال شده است: «طبق ۲۵۲ و ۲۵۳ قانون تجارت، بند «ج» ماده ۲ قانون پولی و بانکی ۱۳۵۱، بند «ث» ماده ۵۸ قانون بانک مرکزی ۱۴۰۲ و مقررات ناظر بر اداره تصفیه، هرگاه معامله مغایر مقررات الزامی ارزی باشد یا تهیه ارز متعذر گردد، محکمه به معادل ریالی آن حکم خواهد نمود».^۲

۱. نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۲/۱۰۲۳ مورخ ۷/۱۴۰۲/۱۲/۰۲ اداره کل حقوقی قوه قضائیه

۲. نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۲/۳۶۸ مورخ ۷/۱۴۰۲/۱۱/۱۱ اداره کل حقوقی قوه قضائیه

۲-۴. تسعیر به نرخ تاریخ صدور حکم ورشکستگی

در حقوق ایران، اصل تسعیر ارز در زمان صدور حکم ورشکستگی را می‌توان از برخی مواد قانون تجارت برداشت کرد. وفق ماده ۴۱۸ قانون تجارت، با صدور حکم ورشکستگی، تاجر از هرگونه دخل و تصرف در اموال خود ممنوع می‌شود و از آن هنگام، عملیات تصفیه و تعیین مطالبات آغاز می‌شود. این تاریخ آغاز فرایند تصفیه است که در آن، تمامی دارایی‌های تاجر باید طبق مقررات قانونی و اصول کارشناسی ارزیابی و به طلبکاران پرداخت شود. در واقع، در این تاریخ است که وجهی معادل ارزش سهم غرمایی متعهدله به او تعلق می‌گیرد. بر اساس این ماده، با صدور حکم ورشکستگی، عملیات تصفیه شروع می‌شود و در این تاریخ است که بایستی مبلغ طلب و دارایی‌های تاجر به صورت دقیق و شفاف مشخص شود. ملاک اصلی برای تسعیر ارز در این مقطع زمانی، «ارزش ارز در تاریخ صدور حکم ورشکستگی» است؛ چراکه این تاریخ به مثابه نقطه شروع تصفیه در نظر گرفته می‌شود. از آنجا که تمامی عملیات تصفیه و ارزیابی دارایی‌ها بر مبنای تاریخ صدور حکم ورشکستگی انجام می‌شود، نرخ ارز نیز باید در همین تاریخ محاسبه و اعمال شود. بدین ترتیب، کارشناس رسمی که مسئول ارزیابی دارایی‌ها و تعیین میزان مطالبات است، موظف است که در فرایند ارزیابی، نرخ ارز همان تاریخ را مبنای محاسبه قرار دهد.^۱

مطالعه تطبیقی در حقوق سایر کشورها نیز حکایت از پذیرش تاریخ صدور حکم ورشکستگی برای تسعیر بدهی‌های ارزی تاجر ورشکسته دارد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۲-۴-۱. حقوق فرانسه

در حقوق ورشکستگی فرانسه، هنگام رسیدگی به مطالبات در مراحل ورشکستگی اگر طلبی به ارزی غیر از یورو باشد، باید به یورو تبدیل شود. مطابق ماده L۶۲۲-۲۵ قانون تجارت فرانسه^۲ تبدیل ارز خارجی به یورو بر اساس نرخ ارز حاکم در تاریخ صدور حکم آغازین (حکم ورشکستگی)^۳ انجام می‌شود (Gold, 1990: 211; Muscat, 2020: 149). این عمل در راستای ایجاد شفافیت و مقایسه‌پذیری وضعیت مالی شرکت ورشکسته انجام می‌گیرد تا تمامی ذی‌نفعان، از جمله طلبکاران خارجی، بتوانند به طور منصفانه در فرایند تسویه حساب مشارکت کنند. تا زمانی که مطالبات از دستور اجرایی ناشی نشده باشند، باید از سوی طلبکار تأیید اصالت شوند. به عبارت دیگر، طلبکاران باید مطالبات خود را به صورت رسمی و مستند اعلام کنند. همچنین، قاضی ناظر می‌تواند

۱. نظریه مشورتی شماره ۷۹۴/۱۴۰۰ مورخ ۱۳/۱۱/۱۴۰۰ اداره کل حقوقی قوه قضائیه

2. Lorsqu'il s'agit de créances en monnaie étrangère, la conversion en euros a lieu selon le cours du change à la date du jugement d'ouverture.

3. Règlement judiciaire

از درخواست اعمال مهر حسابرس قانونی یا در صورت دسترسی نداشتن به آن، مهر حسابدار رسمی بر اعلامیه‌های مطالبات به منظور تأیید صحت و اعتبار آن‌ها استفاده کند. در صورت عدم تمکین از اعمال این مهر، باید دلایل الصاق نشدن مهر توضیح داده شود. این مراحل، به‌ویژه تبدیل ارز، برای حفظ عدالت در رسیدگی‌های ورشکستگی و تضمین برخورد منصفانه با تمام طلبکاران صورت می‌گیرد.

در رأی دیوان تمیز فرانسه صادره در ۵ ژوئن ۲۰۰۷^۱ نحوه تسعیر دیون ارزی در فرایندهای جمعی بررسی شده و تفسیری قاطع از مقررات ماده L. ۶۲۱-۴۴ سابق و ماده L. ۶۲۲-۲۵ جدید قانون تجارت فرانسه ارائه شده است. این مواد قانونی مقرر می‌دارند که تبدیل بدهی‌های ارزی به یورو باید بر اساس نرخ ارز جاری در تاریخ صدور حکم آغاز فرایند جمعی صورت گیرد. موضوع اختلاف در این پرونده مربوط به تفسیر صحیح تاریخ تسعیر در مواردی بود که احکام متوالی، از جمله حکم آغاز توقف پرداخت‌ها و سپس حکم تصفیة قضایی، صادر شده بود. دادگاه‌های بدوی به اشتباه چنین استنباط کرده بودند که با صدور حکم جدید، تاریخ تسعیر باید به‌روز شود و بر اساس تاریخ دومین حکم محاسبه صورت گیرد. دیوان تمیز این تفسیر را رد کرد و با استناد به نص صریح مقررات مربوط و اصول بنیادین حقوق ورشکستگی فرانسه، اعلام کرد تاریخ معتبر برای تسعیر دیون ارزی، صرفاً تاریخ نخستین حکم آغاز فرایند جمعی است، فارغ از تغییرات بعدی در وضعیت دادرسی یا صدور احکام جدید. دیوان همچنین تصریح کرد تثبیت تاریخ تسعیر در زمان آغاز فرایند، با هدف حفظ برابری میان طلبکاران و جلوگیری از تأثیر نوسانات نرخ ارز در حقوق طلبکاران در جریان فرایند ورشکستگی مقرر شده است. به موجب این رأی، تغییرات نرخ ارز پس از صدور نخستین حکم، هیچ تأثیری در تعیین میزان دین ندارد و صرفاً نرخ ارز در همان تاریخ نخستین مبنای محاسبه خواهد بود. رأی یادشده با تثبیت اصل ثبات زمان تسعیر در حقوق ورشکستگی فرانسه، گامی مهم در راستای ارتقای امنیت حقوقی و جلوگیری از تفسیرهای متعارض برداشت.

۲-۴-۲. حقوق انگلیس

در حقوق انگلیس، طبق رأی معروف دیوان عالی بریتانیا در قضیة برادران لهمان اینترنشنال^۲ در سال ۲۰۱۲ و قواعد ورشکستگی انگلستان و ولز در سال ۲۰۱۶^۳ (Tolmie, 2013: 279)، ملاک

1. Com. 5 June 2007, n° 807 F-P+B

2. Lehman Brothers International (Europe) Ltd. v. The Administrators of Lehman Brothers International (Europe), [2012] UKSC 6.

3. The Insolvency (England and Wales) Rules 2016

تعیین نرخ ارز تاریخ صدور حکم ورشکستگی و آغاز فرایند آن است (Lawrence, 2017: 452-3). در این پرونده، برخی از طلبکاران که بدهی‌های خود را در ارزهای غیر از پوند ارائه کرده بودند، ادعا کردند که به علت افت ارزش پوند استرلینگ نسبت به ارزهای خارجی، میان تاریخ ورود شرکت به ورشکستگی و تاریخ پرداخت بدهی، تفاوتی در مبلغ بدهی به نفع آن‌ها ایجاد شده است. بر این اساس، آن‌ها خواستار دریافت مازاد بر مبلغ تبدیل شده به پوند به عنوان بدهی غیرقابل اثبات^۱ شدند. دیوان عالی بریتانیا با اکثریت چهار به یک، نظر مخالف دادگاه‌های پیشین را رد و اعلام کرد طبق ماده ۲،۸۶ قانون ورشکستگی ۱۹۸۶^۲، بدهی‌های غیرمضمونه‌ای که به ارزهای خارجی تعلق دارند باید طبق نرخ تبدیل ارز در تاریخ شروع ورشکستگی به پوند تبدیل شوند. در نتیجه، طلبکاران ارزی نمی‌توانند تفاوت بین ارزش پوند بدهی در تاریخ آغاز ورشکستگی و زمانی که بدهی پرداخت می‌شود به عنوان بدهی غیرقابل اثبات مطالبه کنند. دیوان عالی اعلام داشت که اعمال چنین رویکردی از لحاظ تجاری عادلانه نیست؛ زیرا اگر اجازه داده می‌شد که تفاوت‌های ارزی به عنوان بدهی‌های غیرقابل اثبات مطرح شوند به سود طلبکاران ارز خارجی و به زیان دیگر طلبکاران می‌شد. هرچند از دیدگاه برخی این رأی دیوان عالی غیرمعمول و قابل نقد است و می‌بایست ملاک تسعیر بدهی‌های ارزی تاجر ورشکسته یوم‌الادا باشد (Beale et al., 2023: 49). قانون جدید ورشکستگی در بند ۲ ماده ۱۴،۲۱ مقرر داشته است: «مسئول ورشکستگی موظف است تمام این بدهی‌ها را به پوند تبدیل کند و برای هر ارز، یک نرخ تبدیل واحد تعیین کند که توسط مسئول ورشکستگی و با توجه به نرخ‌های ارز جاری در تاریخ مربوطه (تاریخ صدور حکم ورشکستگی) مشخص می‌شود».^۳ این ماده در ادامه مقرر می‌دارد: «طلبکاری که معتقد است نرخ تعیین شده از سوی مسئول ورشکستگی غیرمنصفانه است، می‌تواند به دادگاه درخواست دهد و اگر دادگاه پس از رسیدگی به درخواست، متوجه شود که نرخ تعیین شده غیرمنصفانه است، خود می‌تواند نرخ را تعیین کند». قاعده تسعیر ارز مندرج در مقررات ۲۰۱۶ یک استثنا دارد و آن ماده ۱۴ مقررات اتحادیه اروپا در خصوص توافقات مالی تبعی مصوب ۲۰۰۲^۴ است. در این ماده رویکرد متفاوتی اتخاذ شده است و الزام به تبدیل ارزش پولی دین به پوند استرلینگ مقرر نمی‌شود. در این چهارچوب، چنانچه قرارداد فرعی میان طرفین، سازوکاری ویژه برای تبدیل ارز خارجی پیش‌بینی کرده باشد، استفاده از آن سازوکار مجاز شناخته می‌شود، مشروط بر آنکه نرخ مبادله به کاررفته غیرمنطقی یا ناعادلانه نباشد (Muscat, 2020: 113). این مقرر در راستای تسهیل معاملات مالی

1. Non-provable debt

2. The Insolvency Act of 1986

3. The office-holder must convert all such debts into sterling at a single rate for each currency determined by the office-holder by reference to the exchange rates prevailing on the relevant date.

4. EU Financial Collateral Arrangements Directive 2002/47/EC

و افزایش کارآمدی سازوکارهای وثیقه‌ای، به طرفین اجازه می‌دهد با توافق قبلی در خصوص نرخ‌های تبدیل ارز عمل کنند و بدین ترتیب از قواعد عام تبدیل واحد ارزی مستثنا شوند. این تفاوت رویکرد بیانگر توجه قانون‌گذار به ویژگی‌های خاص معاملات مالی بین‌المللی و اهمیت انعطاف‌پذیری در تنظیم روابط مالی میان اشخاص حرفه‌ای است.

برخی از کشورهای پیرو نظام حقوقی کامن لایز رویکرد حقوق انگلیس اقتباس کرده‌اند. در حقوق کانادا در برهه‌ای از تاریخ، در دعاوی مربوط به تسعیر ارز و تعیین ملاک در تعیین نرخ آن، اختلاف نظر وجود داشته است. صدور حکم به پرداخت عین ارز،^۱ تسعیر ارز بر اساس تاریخ صدور حکم،^۲ تاریخ پرداخت،^۳ تاریخ تقدیم دادخواست ورشکستگی^۴ یا ترکیبی از آن‌ها از جمله تاریخ‌هایی اند که در دعاوی که موضوع آن‌ها ارز بوده است، مطرح شده‌اند. محاکم کانادا با اقتباس از آرای صادر شده در انگلستان، به مرور، تاریخ صدور حکم ورشکستگی را مبنای تعیین نرخ ارز انتخاب کردند (Black, 2010: 102). اکنون مطابق ماده بند «ب» و «ج» ماده ۲۱۵،۱ قانون ورشکستگی کانادا مصوب ۱۹۸۵ با اصلاحات ۲۰۰۷^۵ ملاک هنگام تسعیر، تاریخ صدور حکم ورشکستگی است، مگر ترتیب دیگری میان ورشکسته و طلبکاران وجود داشته باشد (Ziegel, 2007: 1067). سیاست تقنینی کانادا با تعیین تاریخ قطعی، سه هدف اساسی را دنبال می‌کند: قطعیت و سرعت، کاهش سوداگری ارزی و تقسیم منصفانه مخاطرات. با توجه به اینکه نرخ ارز متغیر است، تعیین تاریخ قطعی امکان می‌دهد تا ارزش مطالبات به سرعت محاسبه و فهرست بستانکاران بسته شود.

۲-۵. تسعیر به نرخ زمان تصدیق مطالبات

دیوان عالی کشور در رأی وحدت رویه شماره ۸۶۱ مورخ ۱۴۰۴/۰۱/۱۹ مقرر داشت: «مستفاد از مواد ۴۱۸، ۴۲۱، ۴۶۲ و ۴۶۳ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱/۰۲/۱۳ با اصلاحات بعدی و مواد ۱۳، ۳۰، ۳۶ و ۵۸ قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی مصوب ۱۳۱۸/۰۴/۲۴ با صدور حکم ورشکستگی، اداره تصفیه به قائم مقامی از شخص ورشکسته مبادرت به تشخیص و تصدیق مطالبات بستانکاران با رعایت تناسب حقوق آنان می‌نماید. در صورتی که مطالبات برخی از بستانکاران ارز بوده، مبنای محاسبه و تسعیر، معادل ارزش ریالی آن به نرخ روز اعلامی از سوی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در زمان تصدیق مطالبات خواهد بود».

1. Sandy Frank Film Syndication Inc v CFQC Broadcasting Ltd (1983) 23 Sask R 241 (CA)
2. Srl Rolimex v McCormack, Zatzman Ltd (1979) 32 NBR (2d) 436 (QB)
3. Ferris v Welsh [1985] BCLJ No 128 (Co Ct) (QL).
4. Re Canadian Vinyl Industries Inc (1978) 29 CBR (NS) 112 (Que SC); Re Olympia & York Developments Ltd (1997) 45 CBR (3d) 100 (Ont Ct Gen Div)
5. Bankruptcy and Insolvency Act (R.S.C., 1985, c. B-3)

این دیدگاه پیش از صدور رأی وحدت رویه در اقلیت بود.^۱ نماینده دادستان کل کشور در دفاع از ملاک بودن تاریخ تصدیق مطالبات، استدلال‌هایی در هیئت عمومی دیوان مطرح کرد. از جمله استدلالات اینکه، انتخاب تاریخ توقف و یا تاریخ صدور حکم ورشکستگی و یا تاریخ پرداخت برای محاسبه میزان طلب بستانکار ارزی و یا هر بستانکاری که از تاجر ورشکسته مالی غیر از وجه رایج طلب دارد، موجب می‌شود تا اعمال اصل تساوی طلبکاران با چالش مواجه شود و صرفاً تاریخی که می‌تواند اجرای اصل یادشده را تضمین کند، تاریخ تصدیق طلب است. به عبارت دیگر، تاریخ ارزش‌گذاری سهم غرمایی که همان تاریخ تصدیق طلب است، یگانه تاریخی است که می‌تواند همه بستانکاران را در موضع برابر قرار دهد.

این استدلال مبنی بر اینکه صرفاً تاریخ تصدیق طلب می‌تواند تضمین‌کننده اجرای کامل اصل تساوی بستانکاران باشد و انتخاب تاریخ‌هایی چون توقف پرداخت یا صدور حکم ورشکستگی یا پرداخت دیون موجب اخلال در این اصل می‌شود، موضوعی بحث‌برانگیز است. نخست آنکه مفهوم تصدیق طلب در حقوق ورشکستگی به فرایندی اشاره دارد که پس از شناسایی دیون و بررسی مستندات بستانکاران انجام می‌شود و ماهیتاً عملی پسینی نسبت به تحقق دین و وقوع وضعیت ورشکستگی است. در نتیجه، متغیر بودن تاریخ تصدیق طلب بر حسب زمان بررسی دیون می‌تواند باعث نابرابری میان بستانکاران شود، چراکه برخی بستانکاران ممکن است زودتر و برخی دیرتر نسبت به تصدیق طلب خود اقدام کنند یا فرایند رسیدگی به آن‌ها با تأخیر انجام شود. دوم، اصل تساوی بستانکاران ایجاب می‌کند که مبنای محاسبه میزان دیون در لحظه‌ای تعیین شود که وضعیت مالی بدهکار برای همه بستانکاران یکسان شده است؛ یعنی لحظه‌ای که او رسماً از پرداخت دیون خود متوقف شده یا در وضعیت ورشکستگی قرار گرفته است. این هنگام نه به اراده بستانکار و نه به تصمیم مقام تصدیق‌کننده بستگی دارد، بلکه حاصل وضعیت واقعی بدهکار است. انتخاب تاریخ تصدیق طلب، که برآمده از فرایند اداری و دادرسی و نه وضعیت عینی مالی بدهکار است، می‌تواند موجب شود که ارزش‌گذاری دیون تابع تأخیرها، تفاوت در رسیدگی‌ها یا تغییرات بازار شود و این خود با هدف ایجاد برابری میان بستانکاران در تضاد است. سوم، در نظام‌های حقوقی پیشرفته، از جمله حقوق فرانسه و انگلستان، ملاک تسعیر دیون ارزی یا تعیین میزان دیون بستانکاران، لحظه ایجاد وضعیت توقف پرداخت یا تاریخ صدور حکم آغاز فرایند جمعی تعیین شده است، دقیقاً به این علت که این لحظه، زمان مفروض آغاز وضعیت مشترک میان

۱. نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۲/۵۷۵ مورخ ۱۴۰۲/۰۹/۱۱ اداره کل حقوقی قوه قضائیه و دادنامه شماره ۰۵۶۸-۱۳۹۷/۰۶/۰۷ شعبه ۱۸۵ دادگاه عمومی حقوقی تهران که به موجب دادنامه شماره ۰۱۳۲-۱۳۹۸/۰۲/۰۴ دادگاه تجدیدنظر استان تهران نقض شد.

طلبکاران شمرده می‌شود و تثبیت ارزش دیون در این زمان، از تغییرات بعدی و تفاوت‌های ناشی از زمان تصدیق جلوگیری می‌کند. بنابراین، استدلال بر ترجیح تاریخ تصدیق طلب به منزله یگانه مبنای صحیح برای تضمین تساوی بستانکاران، با ماهیت و فلسفه حقوق ورشکستگی، که مبتنی بر تثبیت وضعیت مالی در لحظه ورشکستگی است، همخوانی ندارد و می‌تواند خود به اختلال در اجرای عادلانه اصل تساوی منجر شود (Parry and Omar, 2015: 90).

نکاتی که در نقد رأی وحدت رویه قضایی یادشده می‌توان گفت عبارت‌اند از:

۱. انتخاب تاریخ تصدیق مطالبات با نص آشکار مواد ۴۱۸ و ۴۲۱ قانون تجارت و مواد ۱۳ و ۳۰ قانون اداره تصفیه که «تاریخ توقف» یا «صدور حکم ورشکستگی» را نقطه آغاز آثار جمعی می‌شناسند، در تعارض است و تفسیر قضایی نباید چنین تغییر ماهوی بر متن قانون تحمیل کند.

۲. مبنا قرار دادن زمان تصدیق، پیش‌بینی‌پذیری را از میان می‌برد. نه تاجر و نه بستانکار نمی‌دانند چه زمانی «ریسک ارزی» متوقف می‌شود و نوسانات بازار ممکن است تا ماه‌ها یا سال‌ها سرنوشت طلب را دگرگون کند.

۳. سرعت و نحوه رسیدگی به هر پرونده تصدیق یکسان نیست؛ در بازار پرنوسان، دو طلب مشابه صرفاً به دلیل زود یا دیر تکمیل شدن بررسی، می‌توانند ارزش ریالی متفاوتی دریافت کنند و این تبعیض، اصل تساوی بستانکاران را نقض می‌کند.

۴. ملاک تصدیق عرصه‌ای برای فرصت‌طلبی فراهم می‌کند؛ ورشکسته یا حتی برخی بستانکاران می‌توانند با ایرادهای شکلی یا تعلل اداری، زمان تصدیق را به تعویق بیندازند و از تغییر نرخ ارز به سود خود بهره ببرند.

۵. محاسبه دین ارزی بر اساس نرخ روز تصدیق، عملیات تصفیه را پیچیده می‌کند؛ هر اعتراض یا بازنگری در فهرست مطالبات، مستلزم تسعیر مجدد است و پرونده‌های بزرگ را عملاً بی‌پایان و پرهزینه می‌کند.

۶. پیش از صدور رأی وحدت رویه، بیشتر محاکم تاریخ توقف یا تاریخ حکم را معیار می‌دانستند. تغییر ناگهانی این مبنا بدون پشتوانه تقنینی صریح، امنیت حقوقی را تضعیف و خود رأی را در معرض نقد جدی قرار می‌دهد.

۷. اگر قانون‌گذاران واقعاً قصد تثبیت معیار زمان تصدیق را دارند، باید با اصلاح صریح قانون تجارت و قانون اداره تصفیه، سازوکار جبران نوسان ارز و محدودکردن تأخیر اداری را پیش‌بینی کنند. در غیر این صورت معیار تاریخ توقف یا ورشکستگی همچنان عادلانه‌تر، عینی‌تر و کارآمدتر است.

نتیجه گیری

تعیین زمان مناسب برای تسعیر دیون ارزی تاجر ورشکسته از مهم ترین چالش های نظام حقوق ورشکستگی ایران است؛ موضوعی که ارتباط مستقیم با اصول بنیادینی چون تساوی بستانکاران، عدالت معاوضی، قطعیت حقوقی و پیش بینی پذیری فرایند تصفیه دارد. در نبود مقررات شفاف در قوانین تجارت و اداره تصفیه، محاکم کشور در عمل به رویکردهای مختلفی گراییده اند؛ از جمله ملاک قراردادن تاریخ توقف پرداخت ها، زمان صدور حکم ورشکستگی، تاریخ تصدیق مطالبات یا زمان پرداخت. رأی وحدت رویه شماره ۸۶۱ دیوان عالی کشور با تعیین تاریخ تصدیق مطالبات به عنوان مبنای تسعیر، هر چند در راستای یکسان سازی رویه قضایی صادر شده است، اما از جنبه نظری و اجرایی ایرادات جدی دارد. انتخاب تاریخ تصدیق مطالبات با مفاد صریح مواد ۴۱۸ و ۴۲۱ قانون تجارت و مواد ۱۳ و ۳۰ قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی ناسازگار است؛ زیرا این مواد به روشنی «تاریخ توقف» یا «صدور حکم ورشکستگی» را نقطه آغاز آثار جمعی و حقوقی ورشکستگی می دانند. در نتیجه، تفسیر قضایی نباید مفاد روشن قانون را تغییر بدهد و زمان تحقق آثار ورشکستگی را به مقطعی متأخر منتقل کند. از سوی دیگر، ملاک قراردادن زمان تصدیق مطالبات موجب از میان رفتن پیش بینی پذیری حقوقی می شود؛ زیرا هیچ یک از طرفین، نه تاجر و نه بستانکار، نمی دانند در چه زمانی «ریسک ارزی» پایان می یابد. نوسانات شدید نرخ ارز می تواند تا ماه ها یا حتی سال ها پس از صدور حکم ورشکستگی، ارزش واقعی مطالبات را دگرگون کند و بدین ترتیب، ثبات و قطعیت حقوقی که از ارکان اساسی فرایند تصفیه است از میان برود.

افزون بر این، زمان و سرعت رسیدگی به هر پرونده تصدیق یکسان نیست؛ در نتیجه، در شرایط بی ثباتی ارزی ممکن است دو طلب مشابه صرفاً به دلیل زودتر یا دیرتر بررسی شدن، ارزش ریالی متفاوتی بیابند. چنین تفاوتی با اصل تساوی بستانکاران در تضاد است و عدالت در توزیع دارایی های ورشکسته را خدشه دار می سازد. این شیوه از منظر اجرایی، بستر مناسبی برای سوء استفاده و فرصت طلبی فراهم می آورد. تأخیرهای عمدی در فرایند تصدیق، طرح ایرادات شکلی یا تعلل اداری می تواند به تغییر زمان تسعیر و بهره برداری از نوسانات ارزی منجر شود. علاوه بر آن، محاسبه دیون ارزی بر اساس نرخ روز تصدیق، روند تصفیه را پیچیده و زمان بر می کند؛ چراکه هرگونه اعتراض یا اصلاح در فهرست مطالبات به تسعیر مجدد نیازمند است و در پرونده های بزرگ، موجب اطاله دادرسی و افزایش هزینه های اداری می شود. تغییر مبنای متعارف از «تاریخ توقف یا صدور حکم ورشکستگی» به «تاریخ تصدیق مطالبات» بدون پشتوانه تقنینی صریح، امنیت حقوقی را نیز تضعیف می کند و باعث بی اعتمادی نسبت به ثبات رویه قضایی می شود. اگر قانونگذار قصد دارد معیار زمان تصدیق را تثبیت کند، باید با اصلاح صریح قوانین

مربوط، سازوکاری روشن برای جبران نوسانات ارزی و جلوگیری از تأخیرهای اداری پیش‌بینی کند. در غیر این صورت، معیار «تاریخ صدور حکم ورشکستگی» همچنان عادلانه‌تر، عینی‌تر و کارآمدتر خواهد بود. طبق بررسی‌های تطبیقی در حقوق تطبیقی، در کشورهایی مانند فرانسه، آلمان، انگلستان و کانادا، تاریخ صدور حکم ورشکستگی یا آغاز رسمی فرایند تصفیه به‌عنوان مبنای قطعی تسعیر پذیرفته شده است؛ زیرا این تاریخ، لحظه‌ای واحد و قابل احراز برای همهٔ بستانکاران محسوب می‌شود و از تغییرات و نوسانات بعدی جلوگیری می‌کند. شایسته است قانون‌گذار ما با اصلاح قانون تجارت و قانون ادارهٔ تصفیه امور ورشکستگی، تاریخ صدور حکم ورشکستگی را به‌عنوان معیار قانونی و ثابت برای تسعیر کلیهٔ دیون ارزی تعیین کند. همچنین، تدوین آیین‌نامه‌ای منسجم و الزام‌آور برای ادارهٔ تصفیه و محاکم در زمینهٔ شناسایی، تسعیر، طبقه‌بندی و اجرای مطالبات ارزی ضروری است. تحقق این اصلاحات می‌تواند به انسجام رویه‌ها، تسریع در فرایند تصفیه، افزایش امنیت حقوقی و تحقق عدالت اقتصادی در نظام ورشکستگی کشور منجر شود.

منابع

۱. اخباری، الهه؛ قربانیان، حسین و مرادی، عبدالرحیم. (۱۴۰۰). قانون حاکم بر تعیین ارز قرارداد در داوری تجاری بین‌المللی، دوفصلنامه علمی دانش حقوق مدنی، دوره ۱۰، شماره ۲، ۶۷-۷۸.
۲. اسکینی، ربیعا. (۱۳۷۳). حقوق تجارت (برات، سفته، قبض انبار، اسناد در وجه حامل و چک)، تهران: سمت.
۳. امینی، سیدابراهیم. (۱۳۹۲). مطالعه تطبیقی شیوه پرداخت و تعیین ثمن در حقوق ایران؛ اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی و کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا ۱۹۸۰ وین، مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۴، شماره ۱، ۲۳-۳۹.
۴. پایگاه خبری اختیبار. (۱۴۰۴). نقدی بر رأی وحدت رویه شماره ۸۶۱ مورخ ۱۴۰۴/۰۱/۱۹ هیئت عمومی دیوان عالی کشور، ربیعا اسکینی.
۵. رضایی، علی و ملائی خاص، میلاد. (۱۳۹۹). توقف تاجر از پرداخت دیون در نظام حقوقی ایران و آمریکا، فصلنامه قضاوت، دوره ۲۰، شماره ۱۰۲، ۶۳-۸۵.
۶. سیدمرتضی حسینی، راحله و سلطانی، میلاد. (۱۳۹۵). بررسی تطبیقی مقررات شکلی حاکم بر دعاوی ورشکستگی بین‌المللی در قانون نمونه آنستیرال و لایحه جدید قانون تجارت ایران، پژوهشنامه حقوق تطبیقی، دوره ۲، شماره ۱، ۸۹-۱۰۵.
۷. شیروی، عبدالحسین. (۱۳۷۷). فسخ قرارداد در صورت امتناع متعهد از انجام تعهد، مجله مجتمع آموزش عالی قم، شماره ۱، ۴۹-۷۱.
۸. صفری، محمد. (۱۳۷۶). حقوق بازرگانی «ورشکستگی»، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۹. طاهری، سهیل و بالازاده، حسین. (۱۳۹۸). ضرورت اصلاح مقررات ورشکستگی، آموزه‌های حقوقی، دوره ۵، شماره ۲، ۱۹۲-۱۵۷.
۱۰. عالی‌پناه، علی‌رضا و گلپایگانی، نرگس. (۱۳۹۸). بازپژوهی اصل تساوی بستانکاران در تصفیه شرکت‌های تجاری؛ بررسی تطبیقی در حقوق ایران و انگلستان، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، دوره ۲۴، شماره ۸۶، ۲۱۰-۲۳۸.

۱۱. عبدی پور، ابراهیم. (۱۳۹۵). حقوق تجارت، جلد سوم، تهران: مجد.
۱۲. الفقاری، خالد عبدالله. (۲۰۲۳). تغییر سعر الصرف وأثره على أداء الحقوق والالتزامات (الديون أنموذجاً)، مجلة العلوم الإنسانية والطبيعية، ۴(۱۱)، ۳۰۰-۳۱۷.
۱۳. کاتوزیان، ناصر. (۱۳۷۰). دوره مقدماتی حقوق مدنی اعمال حقوقی، قرارداد، ایفای، تهران: شرکت انتشار با همکاری شرکت بهمن برنا.
۱۴. کاتوزیان، ناصر. (۱۳۹۵). قواعد عمومی قراردادها، جلد چهارم، چاپ ۱۳، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۱۵. کاویانی، کورش و فرزانه، جاوید. (۱۳۹۳). مقایسه اثر توقف بر معاملات ورشکسته در حقوق ایران با راهنمای حقوق ورشکستگی آنسترال، دانش و پژوهش حقوقی، دوره ۳، شماره ۲، ۹۹-۱۴۰.
۱۶. مرادی، مریم و پروین، رسول. (۱۳۹۹). حقوق بستانکاران تاجر ورشکسته با نگرشی به لایحه جدید، پژوهش های حقوقی، دوره ۱۹، شماره ۴۱، ۳۲۱-۳۵۱.

17. Badr, Y. (2012). **Choice of Law in Foreign Currency Debts: A Comparative Study**, *UPR Bus. LJ*, Vol. 3, 186.
18. Beale, S., Bromley-White, T., and Keddie, P. (2023). **Insolvency and restructuring manual**.
19. Black, V. (2010). **Foreign currency claims in the conflict of laws**, North America: Hart Publishing.
20. Ferris v Welsh [1985] BCJ No 128 (Co Ct) (QL).
21. Gold, M. J. (1990). **Legal effects of fluctuating exchange rates**, International Monetary Fund.
22. Lawrence, J. (2017). **“Rights of Foreign Currency Creditors in English Insolvency Proceedings”**, *Banking LJ*, Vol. 134, No. 451.
23. Lehman Brothers International (Europe) Ltd. v. The Administrators of Lehman Brothers International (Europe), [2012] UKSC 6).
24. Muscat, B. (2020). **Insolvency Close-out Netting: A comparative study of English, French and US laws in a global perspective** (Doctoral dissertation, Doctoral dissertation, Leiden University).
25. Parry, R., and Omar, P. J. (2015). **International insolvency law: future perspectives**, INSOL Europe.
26. Re Canadian Vinyl Industries Inc (1978) 29 CBR (NS) 112 (Que SC).
27. *Re Griffiths* [2004] FCAFC 102
28. Re Olympia and York Developments Ltd (1997) 45 CBR (3d) 100 (Ont Ct Gen Div).
29. Sandy Frank Film Syndication Inc v CFQC Broadcasting Ltd (1983) 23 Sask R 241 (CA)
30. Srl Rolimex v McCormack, Zatzman Ltd (1979) 32 NBR (2d) 436 (QB)
31. Tolmie, F. (2013). **Corporate and personal insolvency law**, Routledge-Cavendish.
32. United Nations Commission on International Trade Law. (2005). **Legislative guide on insolvency law**, United Nations Publications.
33. World Bank. (2021). **Principles for Effective Insolvency and Creditor-Debtor Regimes**.
34. Ziegel, J. (2007). **“Canada-United States Cross-Border Insolvency Relations and the UNCITRAL Model Law”**, *Brooklyn Journal of International Law*, Vol. 32, No. 3, 12.